

جستار گشایی

با آثار و گفتاری از:

فاطمه رنجبر

ابوالفضل بازرگان

محمدعلی عمویی

ناصر زرافشان

سیدحسین موسویان

«مصدق در تاریخ ایران نو چه جایگاهی دارد؟ با اینکه شاید درباره مصدق و کارنامه سیاسی او بیش از هر دولتمرد دیگری در تاریخ ایران صدسال اخیر پژوهش و کاوش شده است، بازهم شمار نوشته‌های دانشورانه در این باره انگشت‌شمار است. اگر انبوه نوشته‌های موجود و کتاب‌هایی را که همه‌ساله، مثلاً درباره چرچیل، به چاپ می‌رسد با آنچه درباره مصدق منتشر شده است مقایسه کنیم درمی‌یابیم که دامنه پژوهشگری درباره دولتمردان و دیگر جنبه‌های تاریخ ایران نو، تا چه اندازه ناچیز است».

این چند جمله را از صفحه آغازین کتاب حاکمیت ملی و دشمنان آن (پژوهشی در کارنامه مخافان بومی و بیگانه مصدق)، یکی از ده‌ها کتابی که درباره مصدق و نقش تاریخی او نوشته شده است، نقل کردم تا بر این نکته تأکید ورزم که در شصت‌وشش سالی که از واقعه 28 مرداد سال 1332 و درگیری‌های محمد مصدق با پهلوی دوم از سویی و با دولت بریتانیا از سوی دیگر، می‌گذرد، نه تنها سخن‌های بسیار گفته و این رویداد تاریخ‌ساز از جهات مختلف واکاوی شده، بلکه امر سیاسی در ایران نیز به نوعی معطوف به این قضیه بوده است؛ بدین معنا که در بسیاری موارد، صف‌بندی‌های سیاسی در نسبت با تجربه «مصدق» معنا و مفهوم پیدا می‌کرد. به تعبیر دیگر از آغاز نهضت ملی شدن صنعت نفت بدین سو مصدق، به ال‌نگاره‌ای غیریت‌ساز تبدیل شده است که در ادوار مختلف، نقش‌های متفاوتی را در جداسازی فعالان سیاسی از یکدیگر بازی کرده است؛ تا بدانجا که مصدق‌بی‌بودن و مصدق‌نبودن، برچسبی بود که موضع گروه‌ها، گرایش‌ها و تشکلهای سیاسی را از هم تمیز می‌داد. پدیده «مصدق» و شیوه حکمرانی و مدیریت او، در میانه یک دوره نوین خودکامگی، البته وصله‌ای ناجور و نغمه‌ای ناساز در سپهر سیاسی کشور بود که نه سلفی داشت و نه خلفی یافت. باید دوره کوتاه صدارت او را در بازخوانی تاریخ سیاسی ایران داخل پرانتز گذاشت و به مثابه واقعه نادره‌ای پنداشت؛ اما تأثیرات گسترده‌ای که این دوره

محدود بر فضای سیاسی کشور نهاده و خوانشهای متعدد و متکثری که از آن به دست داده شده است، لزوم بازخوانی ادواری آن را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

طیف قرائت‌های مختلف و گاه متناقض از واقعه 28 مرداد، نهضت ملی شدن صنعت نفت و شخصیت و عملکرد دکتر مصدق به گونه‌ای بود که از این سیاستمدار کهنه‌کار، تصویرهای گوناگونی فراهم می‌آورد. چهره مصدق در نیم قرن گذشته از یک آنارشیست پوپولیست تا یک رهبر کارزماتیک و فرّهمند ملی، از بیگانه‌ستیزی سرسخت تا دل‌سپرده آمریکاییان، از وطن‌پرستی تمام‌عیار تا وطن‌فروشی خیانت‌کار، از نخست‌وزیری توانمند تا یک انتلکتوئل ناتوان و سرانجام از یک غیرمُسلم سکولار تا یک مسلمان وجوهات‌پرداز، در نوسان بوده است. این فراز و فرود، هم تابعی از ادوار تاریخی و هم منبعث از جریان‌های سیاسی است. به دیگر سخن از فردای 28 مرداد 1332 تا 22 بهمن 1357 و پس از آن تا به امروز که شورای شهر تهران توانست خیابانی به اسم مصدق نام‌گذاری کند، رویکرد حاکمیت وقت و جریان‌های سیاسی نسبت به او و کارنامه‌اش همواره در تغییر و تبدل از خدمت تا خیانت بوده است. از سوی دیگر هرکسی، هر حاکمی، هر سیاستمداری و هر حزب و دسته‌ای به فراخور تعریفی که از مفاهیمی چون: ملی‌گرایی، مبارزه، بیگانه‌ستیزی و وطن‌دوستی داشته است، نسبت خود را با مصدق و عمل سیاسی او تعیین و تعریف کرده است. امریکا از فرایند سرنگونی او به عنوان «عملیات آژاکس» و دستگاه تبلیغاتی پهلوی با تعبیر «رستاخیز ملی» و طرفدارانش با عبارت «کودتا» یاد کرده‌اند و امروزه نیز جماعتی در فضای سیاسی ایران پدیدار شده‌اند که با شبیه‌سازی تاریخی و قیاس مع‌الفارق، شکست مصدق را نتیجه محتوم و همیشگی دل بستن به شیطان بزرگ و مذاکره با ایالات متحده امریکا می‌دانند و اربابی از این ندارند که ممکن است تکذیب مصدق از سوی ایشان به تأیید محمدرضا پهلوی بیانجامد!

هرچه هست، دکتر محمد مصدق به هرروی شمایی است تأثیرگذار که برای عده‌ای همچون آریامهر، کابوسی تلخ و برای عده‌ای دیگر، همانند اعضای جبهه ملی، رؤیایی شیرین است و برای بسیاری، اسطوره وطن‌دوستی؛ هرچند برای هیأت حاکمه بریتانیای کبیر، مجسمه لجاجت و سرسختی بوده باشد.

آنچه در این میانه به مانند حلقه مفقوده‌ای خودنمایی می‌کند، نگرشی انتقادی به میراث دکتر محمد مصدق است. هاله تقدسی که از سوی دوستدارانش به دور او کشیده شده، همچنین تبلیغات منفی و مسمومی که بیش از نیم قرن است از چندین سو، چه بیگانگان استعمارگر و چه خودی‌های مذهبی، علیه او به راه افتاده است، راه دشوار نقد علمی و

منصفانه را دشوارتر می‌نماید.

فصلنامه خاطرات سیاسی در شماره تابستان خود، بر آن شده است، باب سلسله مباحثی را به تناوب، درباره این سیاسی‌ترین خاطره ایرانیان در قرن اخیر بگشاید به امید آن‌که بتواند قرائتی واقع‌گرایانه و به‌دوراز حبّ و بغض و ایدئولوژی اندیشی، از این تجربه ارزشمند تاریخی به دست دهد. ازین رو چشم‌انتظار مباحث انتقادی و پژوهش‌های علمی خوانندگان فرهیخته خویش می‌ماند.